



گزارش «تعادل»

از تاب‌آوری شبکه برق

عبور از «زمستان سخت»

با تکیه بر «تابستان داغ»

یادداشت - ۱

آدرس غلط ندهیم!



حسین حقگو

گروه‌های کم درآمد و دهک‌های پایین بسیار خردکننده‌تر و غیرقابل وصف در قالب کلمات است و عذایی ناگفتنی را بر روح و روان هر ایرانی آوری‌می‌کند.

مقابله با این وضعیت و رفع یا حداقل جلوگیری از تشدید آن، وظیفه اخلاقی و علمی هر فرد صاحب خرد و دانش اقتصادی و مسوولیت سیاسی و اجتماعی و اجرایی است. بر این اساس مسوولیت خطیر مبارزه با فقر و فلاکت و نابودی حیات فردی و جمعی ایرانیان، چپ و راست، نهاده‌گراولیب‌رال و سنارد و عزمی ملی‌رامی‌طلبد. کاری که اما اکنون دولت در حال انجام آن است تاسدی بر این سیلاب خروشان فقر و تنگدستی و استیصال زند، توزیع «کالابرگ» است. اقدامی که قطعاً یکی از راه‌های مبارزه با فقر است. اما کم‌جان و توان در مقابله با آن سیلاب ویرانگر. شاید از اینجاست که اختلاف بین کارشناسان اقتصادی بروز می‌کند. گروهی این راه و مسیر را طریق اطمینان‌بخش می‌دانند و خواهان افزایش میزان این کمک‌های نقدی و کالایی هستند و گروهی دیگر که این مسیر را مسیری موقت و دارای تاریخ انقضا چند ماهه و مختص شرایط جنگی تلقی می‌کنند و راه‌حل را تغییر اساسی این وضعیت و راهبرد سیاست خارجی و رفع تحریم و جنگ و... و نیز ارتقای حکمرانی اقتصادی و گشایش فضای سیاسی و... می‌دانند. راهکارهایی که جز با نفاهسم و تعامل با خارج و اصلاحات ساختاری در اقتصاد و باطلبع اقتصاد سیاسی برآمده‌از اقتصادرانی ایارانه‌ای و تضمین حقوق فردی و اجتماعی تامین نمی‌شود. بر این اساس اگر نقدی به سیاست یارانه‌ای کالابرگی می‌زند و تادوم اجرای این پروژه را غیر قابل امکان می‌داند، باید گفت که کار تنگنای مالی دولت برای عمل به وعده افزایش ارزش کالابرگ‌ها به آنجا کشیده که اعلام کرده مبالغه‌ناشی از افزایش قیمت نرخ سوم بنزین قرار است «صرف معیشت مردم» (سختگوی دولت - ۱۴۰۵/۵/۱۵) شود که لابد تامین اعتبار همین کالابرگ‌هاست. در مورد تنگنای مالی دولت نیز غر از وارد‌های اولیه از کسری بودجه‌امسال (حدود - ۹۴۰ همت - ۱۴۰۵) پژوهش‌های مجلس - ۱۴۰۴/۴/۱۱) می‌توان به گزارش اخیر پژوهشکده امور مالیاتی اشاره کرد که طبق آن در پنج ماه نخست امسال تنها حدود ۲۸۲ هزار دلار درآمد مالیاتی دولت (حدود ۲۹۸ همت) تحقق یافته و صادرات نفت و ذخایر شناور نفت نیز کاهش یافته و دولت را با چالش‌های عظیم مالی مواجه کرده است. (۱۴۰۵/۵/۱۹)

اقتصاد علم محدودیت منابع است و سوالی که بر سر اجرای هر پروژه اقتصادی در همان ابتدا و اول کامل وجود دارد، چگونگی تامین مالی آن است. مثلاً سوال مهم در مورد توزیع کالابرگ آن بوده و مردور برداشت از جیب همان مردم و اتفاقاً بیشتر از جیب طبقات محروم تامین می‌کند؟! پروژه‌ای چنین وسیع و در برگیرنده تقریباً کل جامعه (طبق اعلام وزارت کار بیش از ۸۷ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در کشور مشمول دریافت کالابرگ هستند - ۱۴۰۵/۳/۲۰) «کمک به طبقات محروم» نیست، آنچنانکه در یادداشت فوق‌الذکر عنوان شده، فلذا نیازمند چاره‌جویی عاجل است. راه در مان هم چنانکه در این روزها از زبان حتی بعضی از افراد و جریان‌های اصولگرا عنوان شده نه تداوم حمایت‌های فراگیر نقدی و کالایی که به نابودی اقتصاد و توزیع فقر و... می‌انجامد، بلکه حل سریع بحران و درین‌چانچنگ و تحریم‌های ناعادلانه است و ثبات مؤلفه‌های اقتصاد کلان و گشودن راه تولید و تجارت و خدمات، تاهر ایرانی مستعد و در سن کار با تلاش و خلاقیت خود، درآمد کافی برای یک زندگی معمول و معقول و معیشت سالم کسب کند و نیاز به صدقه‌های دولتی نداشته باشد و این منابع دولتی هم صرف توسعه زیر ساخت‌های کشور شود. گذر از وضعیت بس دردناک و عذاب‌آور فقر هموطنانمان از مسیر «آزادی» و «رقابت» اقتصادی و حذف «آازادی»-ها می‌گذرد و کمک‌ها و حمایت‌های دولتی صرفاً مسکن برای شرایط خاصی و استثنایی و نه‌قاعده‌ای برای اداره یک جامعه، آن هم کشوری با مزیت‌های عظیم انسانی و طبیعی و جغرافیایی و فرهنگی و... چون ایران عزیز است. آدرس غلط ندهیم!



ارغوان فرزین معتمد

پروفسور ایرج توتونچیان، استاد دانشگاه الزهرا (س) را نخستین‌بار در کلاس اقتصاد خرد دوره کارشناسی دیدم؛ استاد بسیار محترم، با ارسته و جدی که تا اقلش در طبقه دوم دانشکده اقتصاد، مملو از کتاب‌های اقتصادی بود. پس از ورود ایشان به کلاس، دیگر کسی اجازه ورود به کلاس را نداشت. این اولین اصل منظم بودن در کلاس درس استاد بود. استاد از همان آغاز تدریس، با طرح پرسش‌های متعدد، ذهن دانش‌جویان را به چالش می‌کشیدند. برای مثال، هنگامی که از اصول موضوعه اقتصاد سخن می‌گفتند این پرسش را پیش روی مافرا می‌دادند که آیا به راستی «بیشتر، فارغ از آنکه کالایی مضرب‌ناشد، همیشه بهتر است»؟ پرسشی که به اصل «More is Better» اشاره داشت نمونه‌هایی از این دست در کلاس‌های استاد فراوان بود. شاید بتوانم بگویم مهم‌ترین درس که در آن مقطع از ایشان آموختم، بیش از آنکه نظر به‌های اقتصاد خرد باشد، شیوه تفکر و اندیشیدن درباره اقتصاد و هر دیدگاه و نظریه‌ای بود؛ استاد به ما جستار به پرسش و پاسخ و تفکر و تحلیل، مقایسه، تأیید یا نقد دیدگاه‌های اقتصادی را در ایشان به‌طور چشمگیری تقویت کرده بود. آنچنانکه در مسیر علم آموزی، تفکر و تولید دانش

یادداشت - ۲

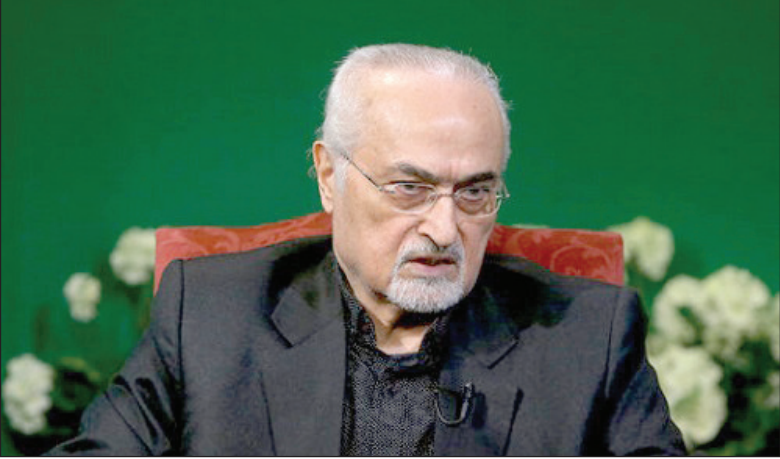


محمدرضا منجوب

در ساختارهای اقتصادی، گران شدن یک کالا به این معناست که کاهش تقاضای آن رخ داده است. اما بنزین با قانون کشش قیمتی تقاضا این قاعده را نقض می‌کند. با ذکر مثال سعی می‌کنم این موضوع را شرح دهم: تصور کنید دو راننده داریم اولی با مصرف متوسط بنزین و دومی با مصرف بالای بنزین و وابسته به ماشین. منطق هنگام گران شدن بنزین، می‌گوید، بر مصرف‌ها باید بیشتر صرفه‌جویی کنند تا کمتر ضرر بدهند. اما شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید آمارها در مورد این موضوع برعکسند: راننده عادی مصرفش را شدیداً پایین می‌آورد ولی راننده بر مصرف چون چاره‌ای ندارد پایین مقدار قبلی بنزین مصرف می‌کند! پس این گرانی دیگر ابزار کنترل نیست، بلکه فقط یک مالیات پنهان است. با ورود تورم همین افت موقت مصرف هم به سرعت محو می‌شود. اما باید دید نتیجه نهایی این شوک چیست؟

می‌شد، ایشان را مورد نقد قرار می‌دادند. آنچه استاد در کتاب «النگداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری» مطرح کرده بود، بر اصول یا آکسیوم‌هایی استوار بود که در قرآن به عنوان مبانی زیست سالم مورد استوار قرار گرفته‌اند. این جنبه از کار پروفسور توتونچیان برای من بسیار جذاب و به گامی، متفاوت از دیدگاه‌هایی بود که معمولاً از صاحب‌نظران حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی می‌شنیدیم.

در یافتن از دیدگاه‌های استاد این بود که نظر به ایشان را نداشت. این اولین اصل منظم بودن در کلاس درس استاد بود. استاد از همان آغاز تدریس، با طرح پرسش‌های متعدد، ذهن دانش‌جویان را به چالش می‌کشیدند. برای مثال، هنگامی که از اصول موضوعه اقتصاد سخن می‌گفتند این پرسش را پیش روی مافرا می‌دادند که آیا به راستی «بیشتر، فارغ از آنکه کالایی مضرب‌ناشد، همیشه بهتر است»؟ پرسشی که به اصل «More is Better» اشاره داشت نمونه‌هایی از این دست در کلاس‌های استاد فراوان بود. شاید بتوانم بگویم مهم‌ترین درس که در آن مقطع از ایشان آموختم، بیش از آنکه نظر به‌های اقتصاد خرد باشد، شیوه تفکر و اندیشیدن درباره اقتصاد و هر دیدگاه و نظریه‌ای بود؛ استاد به ما جستار به پرسش و پاسخ و تفکر و تحلیل، مقایسه، تأیید یا نقد دیدگاه‌های اقتصادی را در ایشان به‌طور چشمگیری تقویت کرده بود. آنچنانکه در مسیر علم آموزی، تفکر و تولید دانش



کشش قیمتی تقاضا، سرانجام واقعیتی بی‌رحم خود را در خیال‌ها نشان می‌دهد. ماشین عادی در خانه پارک می‌شود. اما راننده‌های پر مصرف پول بیشتری می‌دهند و جاده‌ها همچنان شلوغ باقی می‌مانند. تقریباً تمام این مطالعات نشان می‌دهند که تقاضا برای بنزین در ایران در کوتاه‌مدت کم‌کشش است، یعنی افزایش قیمت تأثیر محدودی بر کاهش مصرف دارد. این موضوع عمدتاً به دلیل وابستگی شدید به خودروی شخصی و قیمت‌های پایین و یارانه‌ای است. نتایج مطالعات کلیدی حاکی است، اگر قلم دقیق کشش قیمتی بسته به روش مطالعه و دوره زمانی متفاوت است، اما همگی بر کم‌کشش بودن تقاضا تأکید دارند. مطالعه داده‌های ترانکشن (دانشگاه صنعتی شریف) با استفاده از داده‌های خرد و یک شوک قیمتی واقعی نشان می‌دهد که برآوردهای قبلی (مثل ۰۰۰۳) که با داده‌های تجمعی انجام شده‌اند، دارای سوگیری هستند. گزارش سازمان برنامه و بودجه نیز که پس از شوک قیمتی سال ۱۳۹۸ برآورده شده، نشان می‌دهد افزایش قیمت، واکنش محدودی در کاهش مصرف دارد. جالب‌ترین یافته این است که کشش برای

افزایش قیمت، مصرف و کشش قیمتی بنزین

گروه‌های مصرفی مختلف متفاوت است. برای مثال، کشش برای گروه‌های با مصرف ۶۰ تا ۸۰ لیتر در ماه بیشتر از گروه‌های با مصرف بالای ۱۲۰ لیتر است. مطالعه بلندمدت (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵)های متفاوتی از این می‌کنند: آن‌یکه که مصرف بنزین در بلندمدت بیشتر از کوتاه‌مدت است، اما همچنان کمتر از ۱- است. یعنی همچنان کم‌کشش محسوب می‌شود. اما باید دید نقطه شروع حساسیت قیمتی از کجا نشان می‌گیرد؟ مطالعات جدید نشان می‌دهند که بنزین در یک نقطه یا قیمت مشخص ناگهان کشش پذیر نمی‌شود، بلکه این موضوع به تغییرات قیمت واقعی (نسبت به تورم) و سطح مصرف افراد بستگی دارد. از سوی دیگر کارشناسان بر این باورند که اثر بازدارندگی افزایش قیمت، به افزایش اسمی آن نیست، بلکه به افزایش قیمت واقعی بستگی دارد. در شرایط تورمی، اثر افزایش مصرف از بین می‌رود. **نقاط اشباع:** برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهد که افزایش قیمت از یک حدی به بعد، تأثیر چندانی بر کاهش مصرف ندارد و عمدتاً به یک مالیات پنهان تبدیل می‌شود. برای

اما همزمان، تحلیل‌ها، مطالعات و پیشنهاد‌های او برای شناخت مسائل اقتصادی کشور و یافتن راه‌حل‌های مناسب بهره گرفت. با این‌طریقه بر داری در جهان وجود داشته است که نظریاتش با تقدیم‌شده باشد؟ یا چا-چین می‌نارد کینز و فردریش هایک، دو اقتصاددان متعلق به دو مکتب و رویکرد متفاوت، با وجود بر خورد داری از طرفداران فراوان، متقدان جدی یکدیگر نبودند؟

آیا می‌بان آنان مباحثات جدی در نقد و رد دیدگاه‌های یکدیگر شکل نگرفت؟ و آیا هنوز نیز دیدگاه‌های این دو اقتصاددان از سوی صاحب‌نظران تأیید یا نقد نمی‌شود؟ و آیا ساز نظریات ایشان در مقاطع مختلف و برای حل مسائل اقتصادی استفاده نشده است؟ طبیعت علم با نقد و ابطال پذیری پیوند خورده است. نمی‌توان وارد عرصه علم شد، نظر به‌ای را رایه کرد و انتظار داشت که آن نظریه مورد نقد و مباحثه قرار نگیرد. در تاریخ عقاید و نظریه‌های اقتصادی، تحلیل‌ها همواره با نقدها همراه بوده‌اند.

آنچه اهمیت دارد، این است که نقده به جای آنکه مانعی برای بهره‌گیری از دانش باشد، به فرصتی برای سنجش، اصلاح و تکمیل دیدگاه‌ها تبدیل شود. همان گونه که به نظر به‌های اقتصاددانان خارجی، با وجود اختلاف نظر‌ها و نقدهای فراوان، از راجع می‌همیم و از آنها برای تحلیل مسائل اقتصادی استفاده می‌شود، شایسته است دیدگاه‌های اندیشمندان ایرانی نیز با وجود اختلاف نظر، به حل مسائل کشور مورد بهره‌داری قرار گیرد.

مروری بر تاریخ عقاید و دیدگاه‌های اقتصادی نیز نشان می‌دهد که با وجود نقدهایی که اقتصاددانان به یکدیگر داشته‌اند، بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصادی در دوره‌ای که دیدگاه‌های خود را مطرح کرده‌اند، توانسته‌اند برای حل بخشی از چالش‌های اقتصادی پیشنهاد‌های رایج بدهند؛ هر چند همان راه‌حل‌ها الزاماً در دوره‌ای دیگر پاسخگو نبوده‌اند. بنابراین ارزش یک نظریه را نباید صرفاً با میزان موفقیت یا مخالفت با آن سنجید، بلکه باید دید این نظریه تا چه‌اندازه به فهم بهتر مساله، طرح پرسش‌های تازه و یافتن راه‌حل‌های عملی کمک می‌کند. **ادامه در صفحه ۲**

مثال، اشاره شده که افزایش قیمت از ۸۵۰۰ تومان به ۱۰ هزار تومان، اثر بازدارندگی اضافی بر مصرف‌کننده نخواهد داشت. جالب‌ترین نکته آن است که حساسیت به قیمت برای گروه بیشتر از دیگران در واکنش به افزایش قیمت، مصرف خود را کاهش می‌دهند. **■ مصرف‌کنندگان با حجم متوسط (۶۰ تا ۸۰ لیتر ماه):** بالاترین کشش قیمتی را داشته باشند (۰،۰۹۴). یعنی اگر هزینه‌شان از دیگران در واکنش به افزایش قیمت، مصرف خود را کاهش می‌دهند. **■ مصرف‌کنندگان بر مصرف بالای ۱۲۰ لیتر در ماه):** کمترین کشش را دارند (۰،۰۴۸). یعنی حتی اگر قیمت افزایش یابد، این گروه به دلیل وابستگی جدی‌تر، کمترین تغییر ادر میزان مصرف خود خواهند داد. تحقیقات نشان می‌دهد بنزین در ایران کالایی «بی‌کشش» است و افزایش قیمت به تنهایی، ابزار چندان موثری برای کاهش قابل توجه مصرف نیست. این موضوع به عوامل ساختاری مانند مالکیت خودرو و وابسته‌ها و اثر آن در گروه‌های مختلف مصرف‌کننده و در سطوح مختلف قیمت واقعی، متفاوت خواهد بود.

بارش‌های شدید به معنای احیای منابع آب زیرزمینی کشور نیست

ال نینو می‌آید اما خشکسالی ایران نمی‌رود

صفحه ۸

«تعادل»، روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

ثبت رکورد جدید در بورس

تابیلوی شیشه‌ای معاملات دوباره ر کورد شکست، شاهد پرش شاخص کل بورس و ورود آن به یک محدوده جدید بودیم. بازار سهام پس از تجربه روزهای سخت، نوسان و بی‌اعتمادی اکنون در مرکز توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته و حرکت صعودی خود را به‌صورت قدرتمند...

صفحه ۴ را بخوانید

شهرداری تهران تا کجا مسوول است؟

جابه‌جایی انبار نفت شهران ریسک قدیمی تهران!

تهران در حالی برای جابه‌جایی یکی از نقاط پرخطر خود به دنبال محل جدیدی برای استقرار مخازن نفت است که هم‌زمان در شورای شهر این پرسش جدی مطرح شده است که مدیریت شهری تا کجا باید مسوولیت بپذیرد؛ از یک سو، انبار نفتی در دل بافت مسکونی و احتمال وقوع حادثه‌ای با ابعاد گسترده، ضرورت انتقال را برجسته کرده و از سوی دیگر، گسترش مأموریت‌های شهرداری به حوزه‌هایی مانند مسکن و معیشت، نگرانی‌هایی درباره حرکات مالی و حدود اختیارات مدیریت شهری ایجاد کرده است. در همین چارچوب، اعضای شورای شهر تهران با تصویب یک‌قوربت لایحه شناسایی محل مناسب برای ایجاد مخازن نفت، عملاً بر ضرورت خروج این تأسیسات از محدوده مسکونی شهران تأکید کردند. **صفحه ۵ را بخوانید**

یادداشت - ۴

بورس در مسیر

جبران عقب‌ماندگی

بازار سرمایه در ماه‌های اخیر وارد مسیری متفاوت گذشته شده است. مسیری که در آن، بخشی از نقدینگی سرگردان در اقتصاد ایران، پس از مدت‌ها بار دیگر به سمت بورس حرکت کرده و شاخص‌های بازار سهام توانسته‌اند سقف‌های جدیدی

را به ثبت برسانند. با این حال، بررسی دقیق تر این رشد نشان می‌دهد که این دوره بورس رخ داده، لزوماً به معنای رشد واقعی ارزش بازار نیست، بلکه بخش مهمی از این افزایش را باید در چارچوب تورم و کاهش ارزش پول ملی تحلیل کرد. در سال‌های گذشته، هرگاه اقتصاد ایران وارد دوره‌های تورمی شده، نقدینگی عمدتاً به سمت بازارهایی همچون ارز، طلا و سکه حرکت کرده است. یکی از دلایل اصلی این اتفاق، عقب‌ماندگی بورس از تورم و البته سیاست‌هایی بود که در مقاطعی عملاً جذابیت بازار سرمایه را کاهش داد. در چنین شرایطی طبیعی بود که سرمایه‌گذار برای حفظ ارزش دارایی خود، به بازارهایی پناه ببرد که سریع‌تر با تورم تعدیل می‌شوند. در مقطعی حتی سیاست‌های مربوط به حراج و پیش‌فروش سکه و سایر اقدامات در بازارهای موازی، به شکل‌گیری این تصور کمک کرد که سرمایه‌گذار برای حفظ قدرت خرید خود باید خارج از بازار سهام به دنبال فرصت باشد. از سوی دیگر، ضعف‌های ساختاری و بی‌اعتمادی نسبت به بورس نیز موجب شد بازار سرمایه نتواند سهم مناسبی از جریان نقدینگی موجود در اقتصاد را جذب کند.

کاهش بخشی از ریسک‌های سیستماتیک و روش‌کش کردن شوک‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی و شکل‌گیری نگاه مثبت‌تر نسبت به بازار سرمایه، در کنار افزایش انتظارات تورمی، باعث شد به بورس دوباره در محاسبات سرمایه‌گذاران قرار بگیرد. به بیان دیگر، بخشی از پولی که در دوره‌های گذشته به سمت طلا و ارز می‌رفت، اکنون در حال بررسی فرصت‌های موجود در بازار سهام است. یکی از عوامل مهم در این تغییر مسیر، رویکرد تیم اقتصادی دولت نسبت به بازار سرمایه است. هماهنگی میان سیاست‌گذاران اقتصادی و نگاه مثبت آن‌ها به بورس می‌تواند یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های شرایط فعلی با دوره‌های گذشته باشد. بازار سرمایه در این نگاه صرفاً محلی برای خرید و فروش سهام نیست، بلکه می‌تواند هم‌زمان نقش سیر تورمی برای سرمایه‌گذاران و یکی از مهم‌ترین مسیرهای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی را ایفا کند. از همین منظر، رشد اخیر شاخص کل را باید با دقت بیشتری مورد بررسی قرار داد. شاخص بورس تا محدوده‌های بالای ۱۵ میلیون واحد حرکت کرده، اما با واقعاً بازار سهام به همین اندازه برزگ‌تر نشده است؟ پاسخ چندان ساده نیست؛ اگر ارزش بازار را با معیار دلاری و با نرخ ارز آزاد فعلی بررسی کنیم، بخش قابل توجهی از این رشد اسمی خنثی می‌شود. به عبارت دیگر، رشد شاخص در شرایط تورمی الزاماً معنای ایجاد ثروت واقعی جدید نیست. بخشی از افزایش شاخص، نتیجه کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت اسمی دارایی‌هاست. بنابراین امکان است بازار در ظاهر چند میلیون واحد رشد کرده باشد، اما از منظر ارزش واقعی و دلاری هنوز فاصله زیادی با سطوحی داشته باشد که بتوان از آن به عنوان یک رشد تاریخی واقعی یاد کرد. این موضوع انتقामी تواند یکی از مهم‌ترین دلایل ادامه‌دار بودن ظرفیت رشد بورس باشد.